

گزارش ویژه

بستن تنگه هرمز توسط ایران چگونه مرگ کریدور IMEC را رقم زد؟

رؤیای بر باد رفته آمریکا در غرب آسیا

مهدی گنجی مهنه، پژوهشگر حوزه اقتصاد و سیاست | در روزهایی که تنگه هرمز، این شریان حیاتی حمل و نقل جهان، به‌روی کشورهای مشارکت‌کننده در جنگ تحمیلی سوم بر ایران بسته شده، تأثیرات زیادی بر معادلات منطقه‌ای در غرب آسیا داشته‌است.فصل نوین خلیج فارس که‌در بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله‌سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای بدان اشاره شد(پایام‌به مناسبت روز خلیج فارس ۱۴۰۵/۰۲/۱۰) موضوعی فراتر از کنترل و اعمال رژیم حقوقی بر تنگه هرمز است. این فصل جدید در ابعاد گوناگونی ماهیت‌وشکل تعاملات در خلیج فارس را برای کشورهای منطقه‌تغییر خواهد داد. اعمال اقتدار ایران در تثبیت این فصل نوین، اثرات گسترده‌ای بر پروژه کریدور آمریکایی-صهیونیستی IMEC گذاشته‌است. نظام سلطه به‌منظور تثبیت هژمونی خود باطراحی خط انتقال کالاوانرژی از هندوستان به کشورهای هم‌پیمان خود در منطقه خلیج فارس وسپس اتصال این کشورها به سرزمین‌های اشغالی در خط میانی و در انتها به مقصد اروپا قصد داشت چندهدف را دنبال کند که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

• پیش‌برد و استحکام عادی سازی روابط اعراب خلیج فارس ورژیم صهیونیستی با تحکیم ارتباطات تجاری و ترانزیتی وتغییر جغرافیای سیاسی منطقه غرب آسیا
• حذف کشورهای رقیب به نفع رژیم صهیونیستی مانند ایران، عراق و ترکیه از مسیرهای ترانزیت سنتی جنوب به شمال و محروم کردن آن‌ها از درآمدهای ترانزیتی وسهم‌دهی به کشورهای هم‌پیمان در محور غرب مانند امارات
• کنترل و اعمال رژیم‌های امنیتی و حقوقی برای اقدام‌های همسویانظام سلطه وفشار بر محور مقاومت برای تأمین نیازهای خود
• تغییر جغرافیای سیاسی منطقه را مسیر ایجاد کشورهای بدون مرز عربی خلیج فارس ویبوند آن‌ها به صلح ابراهیم
• تمقیق و تسهیل حضور دائمی آمریکا و رژیم صهیونیستی در نزدیکی کشورهای مقاومت به ویژه ایران و کنترل جریان‌های مردمی مقاومت در کشورهای منطقه با استفاده از کریدور IMEC
• کنترل ومحدوسسازی چین‌وروسیه در کم‌تر کردن کریدورهای آسیایی-اروپایی اما با شروع اعمال اقتدار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بر تنگه هرمز وفرمان‌برهی مینی بر ایجاد فصل جدید خلیج فارس می‌توان ادعا کرد تمامی اهداف نظام سلطه در ایجاد کریدور و تأثیرات شگرف بر موضوع انتقال محموله‌های کالاوانرژی کاملاًنقض برآب شده‌ومی‌توان گفت کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) دیگر یک پروژه مرده است.

از وعده صرف‌جویی تا واقعیت جنگ

بر اساس سند منتشر شده توسط کمیسیون اروپا در اکتبر ۲۰۲۳، کریدور IMEC قرار بود با اتصال هند به اروپا از طریق امارات، عربستان، اردن و اسرائیل، زمان ترانزیت را تا ۴۰ درصد کاهش دهد. اندیشکده «شورای آتلانتیک» در تحلیلی در فروردین ۱۴۰۴ نوشت: «ایده اصلی این طرح، ایجاد یک مسیر جایگزین برای تنگه هرمز وباب‌المندب بود؛ دو گلوگاهی که ایران و متحدانش به راحتی می‌توانند ببندند». مؤسسه «واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» نیز هشدار داده بود ناپدید گرفتن نقش ایران در امنیت دریایی منطقه، خطای راهبردی فاحشی است. با آغاز حملات هوایی آمریکا و اسرائیل به ایران در فوریه ۲۰۲۶، تهران بلافاصله اهرم خود را فعال کرد. آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) در جدیدترین گزارش خود اعلام کرد: آمد و شد روزانه ۱۳۰ کشتی از هرمز به کمتر از ۱۰ فروند رسیده است. بلومبرگ با استناد به داده‌های دریایی دریایی، از گرفتار شدن بیش از ۷۳۰ کشتی خبر داد. آژانس اطلاعاتی «استراتفور» نیز این وضعیت را «بزرگ‌ترین اختلال در تاریخ تجارت دریایی پس از جنگ جهانی دوم» خواند. لویدز لیست، نشریه تخصصی حمل و نقل دریایی، هزینه ارسال هر کانتینر ۴۰ فویتی از شانگهای به روتردام را ۴۸۰ درصد نسبت به ماه قبل افزایش یافته گزارش کرده است.

فروپاشی کریدور از درون و بیرون

شکست IMEC اما پیش از بسته شدن هرمز، کلید خورده بود. اندیشکده «کارنگی اروپا» در تحلیل دسامبر ۲۰۲۴ خود نوشت جنگ غزه عملاًبخش زمینی این کریدور را نابود کرد و مسیر حیفا که قرار بود به عنوان دروازه اروپایی IMEC عمل کند، از ۸ اکتبر ۲۰۲۳ (یک روز پس از طوفان الاقصی) به دلیل حملات حزب الله و مقاومت فلسطین، غیر قابل استفاده شد. روزنامه «وال استریت ژورنال» نیز به نقل از مقامات سابق آمریکایی فاش کرد عادی سازی روابط اسرائیل و عربستان – که پیش‌نیاز اصلی IMEC بود – به‌طور نامحدود به تعویق افتاده‌است. با شروع جنگ با ایران، کشورهای حاشیه خلیج فارس عملاً در این جنگ به‌صورت آشکار وپنهان مشارکت کردند، اما اعمال قدرت ایران علیه پایگاه‌هاومنافع اقتصادی آمریکا ورژیم صهیونیستی در این کشورها عملاًرنامه آن‌ها را برای ایجاد کریدور به پایان رساند. رويترز در گزارشی نوشت: «مقامات اماراتی اعلام کرده‌اند تمامی برنامه ریزی‌های لجستیکی مرتبط با IMEC را تا اطلاع ثانوی متوقف کرده‌اند». الجزیره به نقل از منابع آگاه در ریاض فاش کرد عربستان به طور کامل به خط لوله شرق-غرب (پترولاین) با ظرفیت ۷ میلیون بشکه در روز بازگشته‌است. فایننشال تایمز نیز با اشاره به افزایش ۳۰۰ درصدی استفاده از بندر فجیره، نوشت: «کشورهای عربی IMEC را یک پروژه لوکس و غیر قابل اعتماد در زمان جنگ تشخیص داده‌اند».

IMEC عبرت تاریخ شد

به‌اعتقاد اندیشکده «بنیاد مشاهیر هند»، دهلی‌نویز بزرگ‌ترین بازنده این بحران است. اکونومیست در یادداشتی با عنوان «هند در دام» نوشت: «نیمی از نفت خام‌هند از خلیج فارس تأمین می‌شود و هر بشکه نفت ۱۰۰ دلاری، کسری بودجه این کشور را یک درصد تولید ناخالص داخلی افزایش می‌دهد». روزنامه «تایمز آو ایندیا» با اشاره به سفر اخیر وزیر خارجه آمریکا به پکن نوشت: «واشنگتن از پکن خواسته فشار بر تهران برای بازگشایی هرمز را مدیریت کند». فایننشال تایمز در گزارشی تحلیلی نتیجه گرفته «هند متوجه شده‌IMEC بدون ضمانت‌های امنیتی ایران، فقط یک نقشه روی کاغذ است» و بلومبرگ نیز اذعان کرده «دهلی نوبه‌طور محرمانه در حال بازطراحی کریدور شمال- جنوب (INSTC) با محوریت ایران است».

پایگاه تحلیلی «میدل ایست‌آی» در ارزیابی نهایی از این بحران، پروژه IMEC را «آخرین قربانی غرور غرب در منطقه غرب آسیا» نامید و شبکه «فرانس ۲۴» نیز آن «بزرگ‌زید دریایی» و «شنگتن در نظم قدیم تجارت جهانی توصیف کرده‌است. اندیشکده «چتم هائوس» نیز در هشداری به غرب نوشت: «هر کریدوری که بر پایه حذف ایران طراحی شود، محکوم به فروپاشی است. کریدور شمال- جنوب (INSTC) که ایران نقطه اتصال آن است، تنها الگوی موفق همکاری منطقه‌ای باقی مانده است». بستن تنگه هرمز توسط ایران، این حقیقت‌تغییر ناپذیر را به جهان‌باید آوری می‌کند: ژئوپلیتیک هیچ راه قربانی ژئواکونومیک نمی‌شود. کریدور IMEC سعی داشت ایران را دور بزند، اما ایران دروازه‌دار خود این آبراه است. عبرت برای آیندگان روشن است: توسعه واقعی زمانی معنا می‌یابد که مبتنی بر محاسبات درست ژئوپلیتیک و برآورد صحیح از قدرت ملت‌ها باشد نه بر اساس تبلیغات پروپاگاندای رسانه‌های صهیونیستی.

روز شمار جنگ اروز هشتاد و پنجم | هشتاد و پنجمین روز نبرد، روز رمزگشایی از مفهوم «دیپلماسی در سایه استقامت» بود. در حالی که ورود عاصم منیر، مقتدرترین چهره نظامی و سیاسی پاکستان به تهران، نشان از رسیدن میانجی‌گری‌ها به یک «مقطع تعیین‌کننده» داشت، دستگاه دیپلماسی ایران با خونسردی تمام، سقف انتظارات واشنگتن را پایین آورد. اعلام رسمی این موضوع که شکاف‌ها با آمریکا همچنان «عمیق وقابل توجه» است، یک پیام راهبردی داشت؛ اینکه ایران، نه مرعوب اولتیماتوم نظامی ترامپ شده و نه مسحور لیخند میلانچی گران. امروز، ایران با تغییر ادبیات خود در قبال تنگه هرمز و گره زدن توافق دوجانبه به توقف جنایات اسرائیل در لبنان، نشان داد درک دقیقی از نقطه ضعف واشنگتن (یعنی تله زمان و تورم در آستانه انتخابات) دارد.

■ هرمز؛ از «آبراه آزاد» تا «شاهره خدمات امنیتی سپاه»
مهم‌ترین تحول استراتژیک ۲۴ ساعت گذشته، تغییر هوشمندانه ادبیات تهران در قبال تنگه هرمز بود. ایران با اعلام اینکه اخذ عوارض از کشتی‌های عبوری، در واقع فاکتور کردن «خدمات امنیتی» برای عبور امن از این آبراه است، «محاصره آمریکایی» را با یک «نهادسازی حاکمیتی» پاسخ داد.

این تغییر ادبیات، اثرات حقوقی و روانی بزرگی دارد. وقتی گزارش‌ها تأیید می‌کنند در یک روز گذشته، ۳۰ شناور تجاری با هماهنگی نیروی دریایی سپاه پاسداران از تنگه عبور کرده‌اند، یعنی شرکت‌های کشتیرانی جهان پذیرفته‌اند که برای در امان ماندن از ترکش‌های تقابل ناوگان آمریکا و پهپادهای مقاومت، باید «هزینه امنیت» را به قدرت مسلط منطقه بپردازند. تلاش فرانسه در شورای امنیت سازمان ملل برای ارائه یک قطعنامه مستقل برای ایمن‌سازی هرمز (که با طرح آمریکایی- بحرینی در رقابت است)، نشان دهنده شکاف عمیق در جبهه غرب و ناامیدی اروپا از چتر امنیتی سنتکام است.

■ معمای مذاکرات؛ چرا هسته‌ای در اولویت ایران نیست؟
ورود فرمانده ارتش پاکستان به تهران، کاتالیزور دیپلماتیک این روزها بود. اما اسماعیل بقایی،

چرا آمریکا زمان را از دست داده است

مقاومت دیپلماتیک در ماراتن مذاکرات



ایران معتقد است ریشه آغاز جنگ در ۸۵ روز پیش، لجاجت آمریکا بر سر پرونده هسته‌ای بود؛ بنابراین قرار نیست میوه مقاومت در برابر بمباران، دادن امتیاز در همان پرونده باشد

سخنگوی وزارت خارجه با دقت زیاد خطوط قرمز ایران را ترسیم کرد. ایران به درستی معتقد است ریشه آغاز این جنگ در ۸۵ روز پیش، لجاجت آمریکا بر سر پرونده هسته‌ای بود؛ بنابراین قرار نیست میوه مقاومت در برابر بمباران، دادن امتیاز در همان پرونده باشد.

گره تنگه کورتر می‌شود؟

نظامی ارائه‌خدمات اسکورت دریک‌تنگه‌مورد مناقشه، فراتر از ظرفیت نیروی دریایی آمریکا برای انجام مؤثر آن است. باید به جایی برسیم که تنگه با یک آتش‌بس عمومی پذیرفته‌شده، باز شود». با وجود شکست پروژه آزادی و اعلام ناتوانی برترین قدرت نظامی جهان در این مأموریت، اخبار ضدونقیض از مشارکت سایر کشورها همچنان به گوش می‌رسد. مارک روته، دبیر کل ناتو روز جمعه اعلام کرد آمریکا می‌تواند از پایگاه‌های اروپایی برای عملیات نظامی خود استفاده کند و ما می‌توانیم به ایالات متحده در تلاش‌هایش برای بازگرداندن آزادی دریانوردی در تنگه هرمز کمک کنیم. اما اعلام آمادگی دبیر کل ناتو بلافاصله با واکنش برخی از اعضای این اتحادیه به‌نظامی مواجه شد. وزارت امور خارجه فرانسه اعلام کرد این کشور هر گونه نقش احتمالی ناتو در تأمین امنیت تنگه هرمز را رد و تأکید

نقطه ضعف دونالد ترامپ دست گذاشته است. به تعبیر جیسون کمپبل از مؤسسه خاورمیانه، ترامپ به دلیل نزدیک شدن به انتخابات میان‌دوره‌ای و فشار خردکننده قیمت انرژی بر مصرف‌کننده آمریکایی، زمان چندان‌ی ندارد. واشنگتن برای خروج از این محصله نیازمند یک توافق سریع است، در حالی که تهران با تثبیت کانال‌های دور زدن محاصره‌نشان داده «زمان» را به خدمت خود آورده است.

■ با تلاق اخلاقی و نظامی اسرائیل در شمال

در حالی که دیپلماسی همچنان مشغول است، رژیم صهیونیستی در حال منفجر کردن پایه‌های هرگونه توافقی است. بمباران وحشیانه جنوب لبنان که در ۲۴ ساعت گذشته به شهادت ۱۱ غیرنظامی و امدادگر درمانی (در شهرهای چون دیر قانون‌النهر و نبطیه) منجر شد، گواه روشنی بر ماهیت فریبکارانه «آتش‌بس آمریکایی» است. اسرائیل به وضوح تلاش می‌کند از پوشش دیپلماسی برای «پاک‌سازی دموگرافیک» در جنوب لیبانی استفاده کند. اما این جنون نظامی، با یک رسوایی اخلاقی بی‌سابقه در عرصه جهانی تکمیل شد. افشای گزارش‌های تکان‌دهنده از سوی سازمان‌دهندگان کاروان آزادی غزه (ناوگان صمود) مبنی بر تجاوز و آزار جنسی دست‌کم ۱۵ فعال بین‌المللی با‌داشت شده در آب‌های مدیترانه توسط ارتش اسرائیل، برگ دیگری بر دفتر شرارت‌های محور عبری- غربی بود. رژیم‌ی که در زندان‌هایش، فعالان حقوق بشر غربی را شکنجه و آزار می‌کند، نمی‌تواند در واشنگتن، شریک یک پروژه صلح‌سازی باشد.

■ ایستگاه هشتاد و پنجم؛ مقاومت چندلایه

ما اکنون در یکی از پیچیده‌ترین تقاطع‌های این جنگ ایستاده‌ایم. آمریکا در حال تحریم دیپلمات‌ها و نظامیان لبنانی است تا مقاومت شمال را تضعیف کند. اسرائیل در حال کشتار امدادگران است و ترامپ به تناقض‌گویی، هم از پیشرفت در مذاکرات می‌گوید و هم از «گرزنده‌های دیگر». اما در ایران، راهبرد واحدی جریان دارد. «فضای مثبت دیپلماتیک خوب است، اما برای امضای توافق کافی نیست». ایران نشان داده امنیت خود و شریکان منطقه‌ای‌اش (از لبنان تا غزه) را به وعده‌های انتخاباتی مستأجر کاخ سفید گره نخواهد زد.

تحلیل

محمد ولایی | تنگه هرمز که تا نهم اسفند ماه گذشته به روی همه شناورهای تجاری و حتی نظامی باز بود، با تجاوزهای آمریکا به کشورمان به گره کوری تبدیل شد که باز کردنش به هدف جدیدی برای دشمن تبدیل شده‌است.

بحرانی که آژانس بین‌المللی انرژی آن را بزرگ‌ترین اختلال در تأمین انرژی جهانی نامیده، آمریکا را بر آن داشت تا پروژه آزادی را برای باز کردن نظامی و اسکورت کشتی‌ها در این تنگه اجرایی کند که البته ناکام بود. ایهام‌ها درباره این پروژه، دوروز پیش پای فرمانده نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا رایه جلسه‌استماع کنگره باز کرد تا راه‌های بازگشایی نظامی تنگه را با نمایندگان کنگره آمریکا در میان بگذارد.

آدمیرال «داریل کادل» البته آب پاکی را روی دست نمایندگان ریخت و اعتراف کرد نیروی دریایی آمریکا توان بازگشایی تنگه هرمز از طریق اسکورت کشتی‌ها در این آبراه را ندارد. «ما موضوع اسکورت را بررسی کرده‌ایم؛ این یک مأموریت بسیار چالش‌برانگیز است. از نظر

گزارش

پایان کار یک رسانه ضدایرانی که سودای براندازی جمهوری اسلامی را داشت

من و تو مغلوب ما

شناختی و افول مرجعیت خبری در برابر مخاطب ایرانی است. مخاطبان آگاه حالا بیش از گذشته نسبت به حقیقت‌نمایی این رسانه‌های وابسته و مزدور دچار تردید شده‌اند و همین نفروپاشی آن‌ها را حتمی کرده است.

از دست دادن اثرگذاری رسانه‌ای در مسیر جنگ تبلیغاتی دشمن، عامل دیگری است که آمریکا و رژیم صهیونیستی را به قطع امید از شبکه‌های تلویزیونی فارسی‌زبان مخالف جمهوری اسلامی وادار کرده است. حقیقت این است که شبکه‌های آن‌ورآبی به‌بخش مهمی از بدنه عملیات روانی علیه کشور تبدیل شده‌اند. این نحوه فعالیت از پاییز ۱۴۰۱ و فتنه‌زن، زندگی، آزادی بروز و در اتفاقات دی سال گذشته به اوج خود رسید. اما با گذر کردن ملت از این کودتا و آشوب تدارک دیده شده، برای واشنگتن و تل آویو که حالا دیگر به ابزار عبران نظامی علیه جمهوری اسلامی روی آورده‌اند، به نظر این رسانه‌ها کارکرد تبلیغاتی گذشته خود را از دست داده و به مهره سوخته تبدیل شده‌اند و احتمالاً یکی پس از دیگری، در آن‌ها تخته خواهد شد.

دشمن با هدف ضربه زدن به منافع ایران، روی تأثیرگذاری بر افکار عمومی سرمایه‌گذاری ویژه‌ای کرده و فعال شدن چندین کانال ماهواره‌ای در همین چارچوب قابل تحلیل بود. پروژه جنگ رسانه‌ای، در تحولات دی سال گذشته ظهور و بروز میدانی گسترده‌ای داشت اما با درایت مردم و نیروهای امنیتی به شکست کشیده شد. در این مقطع که آمریکا و رژیم صهیونیستی جنگ نظامی علیه کشورمان را در پیش گرفته‌اند، دیگر چنین مواجهه رسانه‌ای برای دشمن اولویت نیست بلکه آن‌ها تقویت

را کنترل کند. روز جمعه تحلیلگران بروکینگز وضعیت تنگه هرمز را «بدترین سناریو محتمل» و «تقریباً فاجعه» توصیف کردند و نوشتند: ایالات متحده در وضعیت استراتژیک دشواری در برابر ایران قرار گرفته و کنترل ایران بر تنگه هرمز، موازنه قدرت در منطقه و جهان را به نفع تهران تغییر داده است. واشنگتن عملاً سلطه خود را در این منطقه حیاتی از دست داده و به دلیل نبود گزینه‌های نظامی کارآمد و کم‌هزینه، معکوس کردن این شکست در آینده نزدیک غیرممکن است. حتی با وجود اهرم‌های فشار اقتصادی، هیچ راهکار نظامی یا دیپلماتیک ساده‌ای برای بازپس‌گیری کنترل کامل بر تنگه هرمز وجود ندارد. حاکمیت ایران بر تنگه هرمز و جریان یافتن ترانزیت کالا و انرژی از این آبراهه در حالی به‌نقطه‌ی بازگشت رسیده‌که هرزمان گمانه‌های وقوع بحران اینترنت جهانی در مناقشات آتی اذنان را به خود مشغول کرده است. تهدید ایران می‌تواند به منزله تهدید شریان‌های حیاتی اقتصاد دیجیتال در دنیا باشد که بخشی از آن از بستر تنگه هرمز عبور می‌کند.



عناصر مزدور در میدان مبارزه سخت با جمهوری اسلامی را دنبال می‌کنند. به عبارت دیگر، واشنگتن و تل آویو اکنون به جای کار روی افکار عمومی، تجهیز گروهک‌های تجزیه‌طلب را یک گزینّه مطلوب می‌دانند. در مسیر همین ایده آن‌ها که تا چند وقت پیش با هدف تحریک مردم ایران روی پهلوی قمار کرده بودند، حال به سمت به‌کارگیری گروهک تروریستی منافقین، مهره‌ای که به لحاظ سازماندهی بیشتر به کارشان می‌آید رهنمون شده‌اند. شواهد موجود گواه چنین تغییری است. اینکه نیویورک تایمز در پیگیری پروژه رژیم پنج در ایران به سراغ مریم رجوی رفته و مایک پمپئو، وزیر خارجه پیشین ترامپ مصاحبه مذکور را بازنشر می‌کند بیانگر این الگو است.

در نهایت در شرایطی که برخی منابع رسانه‌ای مانند العربیه، از «توقف جنگ رسانه‌ای» به عنوان یکی از مفاد پیش‌نویس توافق احتمالی میان ایران و آمریکا در آینده یاد می‌کنند، ما حاصل طبیعی چنین اتفاقی از دور خارج شدن رسانه‌های وابسته‌ای مانند من و تو است که تمام دخل و خرج آن‌ها بر اساس نیت اربابشان هدف‌گذاری و بسته می‌شود. فرجام من و تو نه رویدادی غیرمنتظره که ادامه مسیری است که جریان ضدایرانی در پیش دارد. رسانه‌ای که نه بر پایه اصول ژورنالیستی، بلکه بر پایه مأموریت‌های نخستین لغزش حامیان‌ش به زوال‌عنان تاریخ می‌پیوندد. این سناریویی است که برای دیگر رسانه‌های مزدور مانند ایران اینترنشنال دور از دسترس نیست؛ مهر تأییدی بر شکست راهبردی رسانه‌هایی که جز جعل واقعیت، تفرقه و سیاه‌نمایی هنری نداشتند.